



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره 887

جمعه 4 مهر 1399، 25 سپتامبر 2020

بیانیه در مورد شکایت دولت هلند از حکومت سوریه

جمهوری اسلامی و حکومت بشار اسد در جنایت علیه بشریت همدستند



دولت هلند روز جمعه ۲۸ شهریور اعلام کرد که از دولت بشار اسد بخاطر نقض حقوق بشر شکایت کرده است. وزیر خارجه هلند در بیانیه ای اعلام کرد که "رژیم اسد بارها و بارها مرتکب جنایات هولناکی شده است و مدارک و شواهد فراوانی در اثبات این جنایات وجود دارد و حکومت سوریه باید مجازات شود". نخست وزیر هلند نیز گفته است که "تشکیل این پرونده هشدار جدی به سایر دیکتاتورهای جهان است" و ادامه داد که "برداشت ما اینست که در تعقیب این پرونده ما از حمایت سایر کشورها برخورداریم". قرار است شکایت هلند بعد از مراحل مقدماتی به دیوان بین المللی دادگستری در لاهه که عالی ترین مرجع قضائی سازمان ملل محسوب میشود ارائه شود. حرکت دولت هلند و تشکیل پرونده جنائی برای دولت بشار اسد بخاطر جنایت علیه بشریت یک اقدام مهم و مثبت است و در واقع پاسخی است که با تاخیر بسیار به اعتراضات میلیونی در سطح جهان نسبت به جنایات فجیع حکومت بشار اسد داده میشود. ما امیدواریم که شمار هرچه بیشتری از دولتهای جهان صدای اعتراض خود را علیه نسل کشی و جنایات عظیم دیکتاتوری بشار اسد علیه مردم این کشور بلند کنند. این یک سیگنال هشدار دهنده به همه دیکتاتورهای خون آشام جهان خواهد بود. نکته مهمتر در این رابطه این است که نمیشود به جنایات حکومت بشار اسد اشاره کرد اما نامی از جمهوری اسلامی که حامی و همدست اصلی آن بوده است نبرد. اسناد و شواهد بسیار زیاد و غیر قابل انکاری از حمایت همه جانبه حکومت اسلامی ایران از رژیم اسد و ادامه در صفحه ۲

باور کنید "دیگه تمومه ماجرا!"

حمید تقوایی

صفحه ۳

کارزار برای تعطیل مرکز اسلامی هامبورگ

وابسته به جمهوری اسلامی

صفحه ۴

گفتگوی انترناسیونال با مینا احدی!

حلقه محاصره تنگتر می شود!

شهاب بهرامی

صفحه ۵

درباره سمینار انقلاب زنانه در مورد

تجاوز جنسی و بردگی جنسی گفتگو با شیرین شمس

صفحه ۶

پاسخی کوتاه به جواد ظریف در باره اعدام نوید افکاری

حسن صالحی

صفحه ۷

تراژدی ای بنام کولبری

گفتگو با عبدال گلپریان

صفحه ۸

جمهوری اسلامی و سیاستهایش

عامل اصلی گسترش کرونا است

صفحه ۵

محمد شکوهی

اطلاعیه ها

صفحه ۷

۱- مریم جبارزاده از میانمان رفت

صفحه ۹

۲- عفو بین الملل: حیدر قربانی در خطر اعدام قرار دارد

۳- ۴ سرنشین حامل یک خودرو در جاده مهاباد - سردشت

بر اثر شلیک آرپی جی توسط سپاه پاسداران جان باختند

صفحه ۱۰

۴- اطلاعیه شماره ۲۶ کارزار #کرونا_زندان

صفحه ۱۰

#جانانشان_در_خطر_است

۵- چند اطلاعیه از حزب!

۲۹ شهریور: ادامه اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه

صفحه ۱۱

و چند خبر دیگر

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱

جمهوری اسلامی و حکومت بشار اسد در جنایت علیه بشریت ...

جنایات فجیع نیروهای این حکومت در سوریه وجود دارد و شکایت از رژیم اسد بدون شکایت از جمهوری اسلامی ناقص و متناقض خواهد بود. مهمتر اینکه جمهوری اسلامی در خود ایران به جنایاتی بسیار هولناک و تکان دهنده دست زده است که اگر پیش از جنایات بشار اسد نباشد، دست کمی از آن ندارد. جدا از نسل کشیهای

سالهای قبل، یک قلم اخیر آن که در برابر چشم مردم دنیا صورت گرفت، شلیک عامدانه موشک به هواپیمای مسافربری خطوط اوکراینی در هشتم ژانویه امسال و کشتار فجیع ۱۷۶ نفر از مسافران و خدمه این هواپیما بود. یک نمونه دیگر آن در جریان اعتراضات مردم در آبان ماه ۹۷ بود که بنا به گزارش رویترز ۱۵۰۰ نفر از

اسلامی جلب کرد نمونه دیگری از جنایات سیستماتیک حکومت اسلامی است. به این موارد لازم است کشتار دهها هزار زندانی سیاسی در اوایل دهه شصت، کشتار هزاران زندانی سیاسی در تابستان ۶۷ (۱۹۸۸)، تحمیل آپارتاید جنسی به جامعه، ترورهای سیاسی در خارج کشور و هزاران جنایت دیگر را اضافه کرد.

ما سالهاست بر خواست بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی و محاکمه سران آن به جرم جنایت علیه بشریت پافشاری کرده ایم. امروز

جنایات اخیر این حکومت برای هر سازمان و دولتی که ادعای دفاع از حقوق بشر دارد تردیدی بجا نمیگذارد که باید سران حکومت جمهوری اسلامی به محاکمه کشیده شوند و این حکومت در سطح جهانی بایکوت و منزوی بشود. جمهوری اسلامی از تمام نهادهای بین المللی باید اخراج شود و پرونده جنایاتش در سازمان ملل و دادگاه عالی بین المللی گشوده شود.*

**حزب کمونیست
کارگری ایران
۲۲ سپتامبر ۲۰۲۰
۱ مهر ۱۳۹۹**

از صفحه ۶

درباره سمینار انقلاب زنانه در مورد تجاوز جنسی و بردگی جنسی...

از وظایف آن است، علیه دستگاه قضایی که مقصر انگاری قربانی تجاوز جنسی یک سیاست اساسی آنست و نه فقط فاقد اعتبار بلکه خود مدافع متجاوز است. همچنین علیه فرهنگ هموفوب حکومت، و عبارتی علیه تک قوانین و سیاست ها و مناسبات جمهوری اسلامی است که خشونت های فیزیکی و روانی علیه زنان، خشونت اقتصادی، تحقیر و توهین به زنان، تبعیض جنسیتی، سانسور زنان را مجاز و قانونی کرده است. و نیز علیه تک ارزشها و ارکان جمهوری اسلامی است که به بردگی جنسی رسمیت داده است.

هدف از برگزاری چنین سمیناری در این است که بگوید تجاوز جنسی که نوعی تهاجم است، یک رفتار وقیح و ضدانسانی است. در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، صرفا به فرد متجاوز محدود نمیشود، بلکه مسئولیت این عمل وقیح در

بوده، و نارضایتی عمومی از وضع موجود بشدت در حال افزایش است. علاوه بر این با توجه به اینکه هر بحران و هر معضل و هر مشکل موجود در جامعه که ریشه در جمهوری اسلامی داشته باشد قطعا توسط عموم جامعه به پرچم اعتراض علیه خود حکومت تبدیل می شود، در این مورد هم جنبش علیه تجاوز جنسی، به جنبشی علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده است. جنبشی که نه فقط علیه تجاوز، بلکه علیه کلیه قوانین زن ستیز است. این جنبش علیه حجاب اجباری، علیه تفکیک جنسیتی، علیه بردگی جنسی، علیه دید کالایی به زن، علیه مرد سالاری، علیه بی اختیاری زن نزد قانون، علیه قانون تمکین، علیه تجاوز به کودکان بواسطه کودک همسری، علیه فرهنگ بزرگ سالاری، علیه سیاستهای حاکم در آموزش و پرورش، علیه صدا و سیما که تبلیغ بردگی جنسی زن یکی

سطح کلان به عهده حکومت است.

و نکته مهم دیگر اینکه اعدام به هیچ عنوان راه حل ریشه کن کردن تجاوز جنسی نیست. از آنجائیکه جمهوری اسلامی مجازات اعدام را برای متجاوز (در صورتیکه پروسه نفس گیر اثبات تجاوز توسط قربانی طی شود) تعیین کرده است، این مجازات فقط برای ساکت کردن جامعه، خاموش کردن اعتراضات، ایجاد رعب و وحشت و پاک کردن صورت مساله توسط این حکومت است. در جنبش اخیر علیه تجاوز و علیه بردگی جنسی، که ارکان و ارزشهای این حکومت را نشانه گرفته، جلوه های آشکار یک جنبش عظیم علیه جمهوری اسلامی با اعلام "نه به تجاوز" به همراه "نه به اعدام" قابل مشاهده بود.

درجه اهمیت برگزاری این سمینار در این بود که توانست

"نه" موجود در جامعه به تجاوز جنسی و "نه" به جمهوری اسلامی را بصورت اجتماعی نمایندگی کند. این سمینار اعلام کرد که ریشه کن کردن تجاوز جنسی در ایران با ریشه کن کردن قوانین اسلامی و مناسبات سیاسی حاکم، ریشه کن می شود و برای تحقق این امر برای سرنگونی جمهوری

اسلامی باید پیش از پیش شتافت. تجربه موفق انقلاب زنانه در برگزاری این سمینار یک گام بزرگ و تعیین کننده بر این بود که انقلاب زنانه این عرصه مبارزه علیه تجاوز و بردگی جنسی که یک عرصه مهم از مبارزه علیه جمهوری اسلامی است را به طور جدی بدست بگیرد.*



اصلاح طلب، اصولگرا،

دیگه تمومه ماجرا

جمهوری اسلامی،

مرگت فرارسیده

و مستاصل تر و بحرانزده تر از آنست که این نوع تشبثات جناح مغضوب راه بجائی برسد امروز اعتصابات گسترده کارگری، برآمد چشم گیر جنبش علیه اعدام که ابعادی جهانی یافته است، جنبش علیه تجاوز به زنان، اعتراضات معلمان و بازنشستگان و پرستاران که حتی در دوره کرونا دست از اعتراض نکشیدند، جایی برای مانورهای دوخردادی ها باقی نگذاشته است. توده مردم در ایران و مردم آزاده در سطح جهانی خواهان محاکمه سران این حکومت به جرم جنایت علیه بشریت هستند و جناب موسوی یکی از متهمان درجه اول این پرونده است. جماعت طرفدارش بهترست به فکر دفاع بهتری از "خبر نداشتنه است" باشند.*

۲۴ سپتامبر ۲۰۲۰
(برگرفته از فیسبوک حمید تقوایی)

نبود باید گردد. اگر گزارشات عفو بین الملل تند تر و صریح تر شده است و "ویرانگران انسانیت" را به چالش میکشد این خود انعکاسی از تعرض و تقابل گسترده جامعه با کل حکومت جنایت و کشتار حاکم بر ایران است. و اگر طرفداران موسوی به صرافت اعتراض به گزارش دوسال قبل عفو بین الملل افتاده اند به این خاطر است که کل نظام متبوعه شان را در خطر می بینند. این در عین حال تلاشی است برای بزرگ کردن بردن و بی اعتبار کردن گزارشات مستند یک نهاد معتبر جهانی که کل موجودیت نظام اسلامی را بچالش میکشد و در انتظار جهانیان بی آبرو میکند. اما دوره این نوع تلاشها مدتهاست سپری شده. جمهوری اسلامی با همه جناحها و تمامی کارنامه سیاه جنایات چهل ساله اش رسواتر

ناگهان این جماعت به یاد گزارش آذرماه ۹۷ سازمان عفو بین الملل افتاده اند؟ به نظر من علت نه گزارش دو سال قبل بلکه گزارش یک ماه قبل سازمان عفو بین الملل است. تمرکز این گزارش اخیر بر جنایات حکومت در ۹۶ و ۹۸ است.

کیفرخواستی است علیه کل نظام جمهوری اسلامی و مشکل جماعت امضا کننده هم دقیقا همین است. عفو بین الملل در گزارشی کل جمهوری اسلامی را در انتظار جهانیان بعنوان ویرانگر انسانیت افشا و رسوا کرده است. و دقیقا به همین دلیل است که خط استحاله به دست و پا افتاده و به عبث تلاش میکنند به شیوه همیشگی خود نظام اسلامی را از زیر تیغ حمله بدر ببرد. به عبث، چون جامعه مدتهاست از همه جناحهای حکومتی عبور کرده است و بدرست تفاوتی بین اصولگرا و اصلاح طلب و سبز و بنفش و سیاه نمی بینند. جامعه در ۸۸ شعار داد موسوی بهانه است کل نظام نشانه است، در ۹۶ با شعار اصولگرا دیگه تمومه ماجرا بمیدان آمد و در ۹۸ اعلام کرد جمهوری اسلامی

باور کنید "دیگه تمومه ماجرا!"

حمید تقوایی



نگاه دارد و در آن زمان نیازی هم به این امر حس نمیکرد. میکشت که زهر چشم بگیرد و جامعه را مرعوب کند. بنابر این بحث در این مورد که به ایشان گزارش داده نمیشده و کسان دیگری بدون اطلاع نخست وزیر دست اندرکار اعدامها بوده اند پوچ و مسخره است. ظاهرا همه خبر داشته اند جز نخست وزیر و کابینه اش!

ثانیا حتی اگر فرض را بر بی اطلاعی بگذاریم، بی خبری جناب موسوی از اقدامات جنایتکارانه حکومتی که ایشان در راس قوه اجرائی آن قرار داشته است چیزی از مسئولیتشان کم نمیکند، بر عکس جرم ایشان را سنگین تر میکند.

نکته دیگر در مورد بیانیه کذائی اعتراض به گزارشی با دوسال تاخیر است. سؤال اینست: چه اتفاقی افتاده که

اخیرا جمعی با عنوان فعالین مدنی و سیاسی ایرانی بیانیه ای در اعتراض به گزارش عفو بین الملل منتشر کرده اند. موضوع این اعتراض نه گزارش اخیر بلکه گزارشی است که حدود دوسال قبل، در آذرماه ۱۳۹۷ منتشر شد. ادعا میکنند که میر حسین موسوی از نسل کشی دهه شصت خبر نداشته است و گزارش بی جهت ایشان را مسئول قلمداد کرده است.

در پاسخ به این عذر بدتر از گناه باید گفت اولاً جناب موسوی از سال ۶۰ تا ۶۸ یعنی در دوره اعدامهای گسترده حکومت اسلامی نخست وزیر بوده است و در آن دوره کسی نبود که از اعدامهای وحشیانه و دفن کردن اعدامیان در گورهای جمعی و بی نام و نشان اطلاع نداشته باشد. حکومت نتوانست این موضوع را مخفی

از صفحه ۴

کارزار برای تعطیل مرکز اسلامی...

پذیر است و باید از همه نیرو و توان خود بهره بگیریم. در عین حال همه باید بدانند که واژگون کردن چوبه های دار و بایکوت سیاسی حکومت اسلامی ما را گامها به سرنوینی این حکومت نزدیکتر میکند. پس همه ایرانیان در ایران و در دنیا باید به میدان آمده و کاری کنیم که این امر مهم هر چه زودتر متحقق شود.*

المللی توانستیم سنگسار را در ایران ممنوع کنیم. الان فرصت مناسبی است برای ممنوعیت کامل مجازات اعدام در ایران و نقطه پایان گذاشتن بر اعدامها در ایران. ما در آستانه ده اکتبر روز جهانی علیه اعدام هستیم. شاید بتوانیم در این روز در دنیا باز جنبش بزرگی علیه اعدام در ایران راه انداخته و فشار بیاوریم حکومت اسلامی نتواند اعدام کند. این امکان

این ها قاتلین مردم ایران هستند. همین هفته تحت فشار افکار عمومی مثلا در آلمان و فرانسه و انگلیس، سفرای حکومت اسلامی احضار شده و در مورد جنایات این حکومت علیه زندانیان سیاسی و دو تابعیتی ها به این حکومت رسما اعتراض شد. اینها قدمهای مهمی هستند که باید فشار بیاوریم این اقدامات گسترده ترشود. پیام من به مردم ایران اینست که ما در سال ۲۰۱۰ با همین اقدامات بین

مطرح کرده بودیم. تا کنون نزدیک به ۶۰۰۰ نفر اینرا امضا کرده اند. بنظر من باید در وهله اول بکوشیم این حکومت را از ورزش بین المللی بیرون بیندازیم و همچنین باید بکوشیم دولتها را در همه جا تحت فشار قرار دهیم که این حکومت را بایکوت کنند. سفارتخانه هایش را ببندند و اعلام کنند

در آن در وهله اول ۱۵۰ شخصیت شناخته شده فراخوانی را امضا کردند که خواست اخراج رژیم اسلامی از همه نهادها مطرح شده و همچنین گفته بودیم مادام اینها اعدام میکنند هیچ مقام حکومت اسلامی نباید اجازه داشته باشد خارج از کشور بیاید. و خلاصه خواست بایکوت سیاسی حکومت را

کارزار برای تعطیل مرکز اسلامی هامبورگ وابسته به جمهوری اسلامی گفتگوی انترناسیونال با مینا احدی!



انترناسیونال: در هفته های اخیر کارزار و جنب و جوش گسترده ای برای تعطیلی مرکز اسلامی هامبورگ و مسجد هامبورگ که مقر و مرکز این نهاد اسلامی دست ساز حکومت اسلامی ایران است براه افتاده است. مینا احدی یکی از فعالین شناخته شده در آلمان علیه جریانات ارتجاعی اسلامی است و در زمینه بستن این نهادهای اسلامی نیز فعال بوده است. اینجا گفتگویی در مورد دلایل تلاش برای بسته شدن مرکز اسلامی هامبورگ و مسجد هامبورگ با مینا احدی داریم.

مینا احدی! قبل از هر چیز لطفا کمی درباره این کارزار بگوئید و اینکه چرا این چنین مورد توجه رسانه های آلمانی قرار گرفته است؟

مینا احدی: مرکز اسلامی هامبورگ، در حقیقت دست دراز شده حکومت اسلامی در آلمان و در اروپا است. این مرکز تقلا میکند شیعیان را در آلمان و اروپا، تحت تاثیر قرار داده از بین آنها سربازگیری کند. در مواردی موفق شده است حتی تعدادی از این جوانان را به جنگ در سوریه و یا برای پیگیری فعالیت های تروریستی به کشورهای دیگر اعزام کند. حکومت اسلامی میگوید این مرکز شیعیان را سازماندهی میکند. این مرکز با

جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با این کارزار چیست؟

مینا احدی: مردم آلمان طبعاً تا جایی که به این موضوع توجه نشان داده اند، از خواست کنترل و یا محدودیت فعالیت این مرکز و در مواردی از بسته شدن آن دفاع میکنند. ولی هنوز چندان توجه زیادی به این حرکات اعتراضی نمی بینیم. چون مستقیماً درک نمیکنند ربط این به زندگی و مشکلات خودشان چیست. احزاب سیاسی اما مستقیماً درگیر این مسئله شده اند. چرا که اعتراضات بهر حال در جامعه مطرح است و بویژه در هامبورگ برگزاری میتینگ های متعدد در مقابل مسجد و افشاگری های متعدد و حتی ملاقات با مقامات در این شهر و اعمال فشار به آنها باعث شده احزاب سیاسی در مورد این مسئله اظهار نظر کنند. در بین همه احزاب در هامبورگ، در مورد برخورد به این مرکز اختلاف نظر هست. الیت سیاسی قدیمی کماکان بر این باور هستند که باید بر کورس قبلی اتکا کرد و ادامه داد. یعنی روابط حسنه با این مرکز داشت و در مراسم افطار و عاشورا و تاسوعا رفت و از آنها حمایت کرد. ناگفته نماند که سنای هامبورگ با این مرکز قراردادی هم دارد که اینها را طرف حساب میدانند و همه امکاناتی که مثلاً نهادهای مذهبی دیگر از جمله کلیسا و کاتولیک ها و پروتستان ها دارند، به این مرکز هم داده اند و اینها در سطح رادیو و تلویزیون و .. نمایندگان دارند که از اهداف خودشان در همان سطح دفاع میکنند و اعمال نظر میکنند. اما اکنون از همه احزاب صداهای مخالف بگوش میرسد و فعالیت های ما حتی در بین این احزاب شکاف انداخته

است.

انترناسیونال: روزنامه مشهور دی ولت در شماره یکشنبه خود یعنی در "ولت ام سونتاک" Welt am Sonntag مصاحبه مبسوطی در باره نقش مسجد امام علی و مرکز اسلامی هامبورگ و همچنین کارزار تعطیلی این مراکز با شما انجام داده است لطفاً بطور فشرده مهمترین نکات این مصاحبه را برای ما بازگو نمایید.

مینا احدی: بله این مصاحبه در حقیقت با تمرکز بر فعالیتهای جاسوسی این مرکز و تحت فشار قرار دادن و یا تهدیدات علیه اپوزیسیون در آلمان بود. در این مصاحبه ها با دو نفر از اپوزیسیون یک ساله طرفدار ۲۳ جوان سازمان مجاهدین خلق و با من این مصاحبه ها انجام گرفته و در مجموع از ما پرسیده شده است چه تجاربی با این مرکز ایرانیان داشته و دارند و چرا باید این مرکز بسته شود. در عین حال دی ولت یک رپرتاژ هم تهیه کرده که فیلم کوتاهی است در مورد فعالیتهای این مرکز و با من و همان جوان و همچنین با آخوند مفتح نماینده خامنه ای در آلمان و مسئول این مرکز انجام داده است.

من در این مصاحبه گفتم که چطور ممکنست دولت آلمان و سیاستمداران در این کشور با نماینده خامنه ای در این کشور و با دستهای دراز شده یک حکومت فاشیست و دیکتاتور، دست دوستی میدهند و به اینها کمک مالی و امکانات سیاسی و رسانه ای میدهند تا از بین شیعیان برای این حکومت نیرو بگیرند و تروریست پروری کنند و علیه اپوزیسیون جاسوسی کنند؟ در عین حال من از مسجد امام علی در هامبورگ شکایت کرده ام، بدلیل

برگزاری مراسم گرامیداشت برای قاسم سلیمانی که در آلمان همه میدانند او قاتل هزاران نفر در سوریه و عراق و منطقه است و همچنین مسئول سپاه قدس حکومت اسلامی بوده است که مسئولیت ترور مخالفین در خارج از ایران را به عهده داشته و دست این فرد تا آرنج به خون مردم آلوده است. این شکایت از طرف آقای علی توپراک یک فعال سیاسی شناخته شده در آلمان و من تقدیم دادستان آلمان شده و این شکایت پذیرفته شده و در حال بررسی است.

انترناسیونال: برای تحت فشار قرار دادن دول اروپایی برای تحریم سیاسی و بایکوت بین المللی جمهوری اسلامی فکر میکنید چه اقدامات دیگری لازم است انجام شود؟ پیام شما چیست؟

مینا احدی: الان در آلمان و در دنیا بعد از اعدام نوید افکاری که مورد توجه بسیار زیادی قرار گرفت، اعتراض و خشم و نفرت از حکومت اسلامی صد چندان شده است. حکومتی در مقابل اعتراضات جامعه ورزشی به این حکم بی توجه بود و علیرغم اینکه ۸۵ هزار ورزشکار بین المللی در یک طومار به این حکم اعتراض کردند، علیرغم فراخوان چهره های مهم ورزشی و هزاران و حتی میلیونها نفر در دنیا، نوید را اعدام کرد. الان دارد طوفان درو میکند. گفتمان اینها را از نهادهای بین المللی بیرون کنید امروز یک گفتمان عمومی است و ما باید در این اوضاع کاری کنیم که این شعار واقعا عملی بشود. همین هفته اخیر من و مریم نمازی کمپینی را راه انداختیم که

حلقه محاصره تنگتر می شود!

شهاب بهرامی



رژیم پریشان حال جمهوری اسلامی ایران هفته های ملتهد و پر دزدی را همراه با سیه روئی هر چه بیشتری از سر گذراند. سازمان جهانی عفوی بین الملل در اقدامی بی سابقه با تکیه به شواهد گوناگون و در دست داشتن اسناد غیر قابل انکار جنایت های بیشمار این رژیم، به ویژه بعد از کشتار آبانماه به این سو، جمهوری اسلامی ایران را به شدت محکوم کرده و آنرا "ویرانگر انسانیت" نامید. رژیم با سببیتی تام نوید افکاری را زیر شکنجه به قتل رساند و پیکر نیمه جانش را بدار کشید. نادر مختاری از معترضین آبانماه را زیر شکنجه کشت و اینک می خواهد حیدر قربانی و شاید سی تن دیگر از معترضین آبانماه را نیز به همین سرنوشت دچار کند تا به خیال خود با ایجاد رعب و وحشت، قیام در انتظار مردم جان به لب رسیده را عقب اندازد. با قتل فجیع نوید افکاری جهان متمدن بپا خاست تحریم همه جانبه سیاسی دیپلماتیک رژیم، خواست بسته شدن و تعطیلی سفارتخانه های ترور و جاسوسی رژیم، خواست

اخراج رژیم از همه برنامه های ورزشی در سطح جهان ومنع میزبانی این کشور از همایش های ورزشی نمونه خواست هایی است که دارد عمومی و حتی جهانی می شود و در ادامه می تواند به انزوای سیاسی کامل رژیم بیانجامد. دلک بازای های شنیع جواد ظریف در دفاع از قتل نوید افکاری، نه تنها به یاری استیصال رژیم نیامد بلکه سران رژیم و جناب وزیرش را بیش از پیش بویژه در چشم جهانیان خوار و منفور کرد. اعضای ترویکای اروپایی یعنی آلمان و انگلیس و فرانسه که تا دیروز عصای زیر بغل جانین اسلامی بودند امروز سفرای رژیم را احضار کرده و برایشان خط و نشان می کشند. دولت هلند با شکایت از رژیم جنایتکار اسد به جرم جنایت علیه بشریت آنرا به دادگاه لاهه می کشاند. آنروز دور نیست که هم پیمان اصلی و شریک جنایت های بیشمار رژیم اسد یعنی جمهوری اسلامی نیز در

همان دادگاه به پای میز محاکمه برده شود. در تازه ترین اتفاقات اخیر، یکی از نمایندگان مجلس رژیم اذعان داشت که بدلیل ترس و نگرانی از اعتراضات و شورش بعدی مردم، سپاه پیشنهاد انتقال پایتخت ایران را از تهران به جایی دیگر در اختیار روحانی گذاشته است. ترس و وحشت تمامی سران رژیم از کابوس انقلاب و خیزش بعدی مردم سرتا پای منحوس این دستگاه آدم کشی را فرا گرفته است. این ماجرای امروز گروهی گانگستر فاشیست اسلامی است که چهل سال پیش به کمک و حمایت غربی ها به اریکه قدرت پرتاب شدند تا انقلاب شکوهمند مردمی که خواستی جز بر خورداری از یک زندگی انسانی نداشتند را به خون کشند. این ماجرای دیو خبیث به تله افتاده ای است که به همه چیز و همه کس چنگ می اندازد و از درد بخود می پیچد و می گرد اما هر اقدام جنایتکارانه این

جانین، آتش انقلاب رهایی بخش مردم را فقط شعله و تر می کند. حال نزار این دیو به تله افتاده و در حلقه محاصره را می شود از لابلای تک تک جملات مقامات ریز و درشت رژیم رصد کرد. رژیمی که توانایی برآورده کردن ابتدائی ترین خواست های مردم را نداشته و هر اعتراض حق طلبانه مردم را با خون و گلوله جواب داده است. رژیمی که در همه زمینه ها چه در عرصه سیاسی چه اقتصادی چه اجتماعی و غیره شکست خورده است و ویروس کشنده ای است که هم برای زمینیان خطرناک است و هم برای طبیعت. پدیده متناقضی است با تاریخ، با انسان، با جامعه. برای کرونا بزودی واکنسی کشف می شود ولی برای ویروس رژیم اسلامی واکنسی وجود ندارد باید آنرا نابود کرد. این کاری است که مردم ایران به انجامش کمر همت بسته اند.*

جمهوری اسلامی و سیاستهایش عامل اصلی گسترش کرونا است

محمد شکوهی



برخی مقامات حکومتی در روزهای اخیر هشدار داده اند که با آغاز پائیز ممکن است مرگ و میر ناشی از بیماری کرونا روزانه تا ۶۰۰ نفر افزایش یابد. همزمان وزارت بهداشت حکومت، تعداد بیماران کرونایی بستری در بخش های بیمارستانی سراسر کشور را بیش از ۳۵ هزار نفر اعلام کرده است. ۲۵ استان در وضعیت قرمز بوده و بقیه استانها در مرز هشدار کرونایی قرار دارند. فعلا از آمار حکومتی بگذریم که خودشان هم باور ندارند. بر اساس آمار وزارت بهداشت حکومت روزانه بطور متوسط بیش از ۱۵۰ نفر جانشان را از دست میدهند و

بالای ۲۵۰۰ نفر به کرونا مبتلا میشوند و روزانه حدود هزار نفر در بیمارستانها بستری می شوند. ظرفیت پذیرش بیمارستانها در خیلی از شهرهای بزرگ تمام شده است و بیمارانی را که حتی علائم حاد بیماری کرونا را دارند به خانه فرستاده و توصیه "قرنطینه هفتگی" می کنند. حکومت آمار مرگ و میر کرونا را تا روز پنجشنبه سوم مهر ۲۴ هزار و ۸۴۰ نفر اعلام کرده است. اوضاع از این بسیار وخیم تر است و حتی خود حکومتیان هم به آمارهای دولتی اعتمادی ندارند. بیمارستانها با کمبود تخت مواجه هستند. کمبود امکانات درمانی در همه بخش های بهداشت و سلامت روز بروز

بیشتر دیده میشود. هزاران پرستار بیکار را حاضر نیستند سر کار بیاورند چون هزینه دارد. کادر درمانی فرسوده و با کمترین امکانات در این بخش مجبور به کار می باشند. حکومت شیوع کرونا را با بی تفاوتی و با توجیهات بی شرمانه اش رسماً تبدیل به یک بحران بزرگ اجتماعی کرده است. برگزاری مراسم محرم و بازگشایی مدارس در کنار بی مسئولیتی کامل رژیم برای فراهم آوردن امکانات مقابله با این بیماری، از دلایل افزایش تلفات کرونا در کشور است. باید حکومت را مجبور کرد که امکانات درمانی و دسترسی برای درمان و بهداشت را برای مردم تامین کند. باید به حکومت فشار

آورد که کمبود صدها هزار کادر درمانی را با استخدام نیروی لازم تامین کند تا فشار بر پرستاران و کادر درمانی کاهش یابد. معیشت مردمی که درآمدها را از دست داده اند یا درآمد کافی ندارند باید توسط مفتخوران حاکم تامین شود. در شرایطی که کوچکترین امکاناتی در مدارس وجود ندارد باید مدارس را تعطیل کرد. خانواده ها باید مواظب جان فرزندان شان باشند و از فرستادن آنها به مدرسه خودداری کنند. ستادهای همیاری را باید در شهرهای مختلف ایجاد کرد. همبستگی ها را باید گسترش داد و روابط مبارزاتی را تحکیم کرد.*



بوده ایم. اما این بار این موج ایجاد شده، ابعادی وسیعتر، اجتماعی تر و عمیق تر از تجاوز جنسی در ایران را از زیر پوست جامعه به رو آورد که این روزها بعنوان نوک یک کوه یخ از آن یاد میشود. مساله تجاوز جنسی در ایران یک مساله قطع به یقین سیاسی است. در صورتیکه اگر به "می تو" جهانی که در اروپا و آمریکا بصورت یک جنبش علیه تجاوز جنسی درآمد نگاهی کنیم، مساله در محدوده فرهنگی و اخلاقیات مردسالارانه و غیره قابل بررسی است و تصویب قوانین سختگیرانه تر در رابطه با منع آزار و تجاوز جنسی امکان پذیر است. اما وقتی جنبش علیه تجاوز جنسی در ایران را بررسی میکنیم نه یک مساله فرهنگی بلکه یک مساله حکومتی است. یعنی قانون، دولت و دستگاه قضایی رابطه مستیقی با تولید و بازتولید تجاوز جنسی دارند.

شرایط موجود حاکی از توازن قوای سیاسی ناشی از خیزش آبان و اعتراضات دیماه ۹۸ که خیزشی برای تعیین تکلیف با این حکومت با شعار "جمهوری اسلامی نبود باید گردد" به نفع مردم ادامه در صفحه ۲

مریم صبری از شرکت کنندگان اعتراضات ۸۸، و نیز روایتی از یک همجنسگرا که توسط مداح و اعضای یک هیات مذهبی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته بود، و چند روایت دیگر همراه بود. سمینار با قرائت بیانیه انقلاب زنانه درباره جنبش علیه تجاوز جنسی، علیه بردگی جنسی و علیه جمهوری اسلامی به پایان رسید.

انترناسیونال: اهمیت برگزاری چنین سمینارهایی بویژه در شرایط بسیار ملتهب و متحول جاری و تاثیرات آن در جنبش اعتراضی و سرنگونی طلبانه مردم در ایران چیست؟

شیرین شمس: افشاگری در مورد تجاوز جنسی مساله ای جدید و تازه نبود. ما پیش تر نمونه دادخواهی و کیفرخواست زهرا نویدپور علیه تجاوز سلمان خدادادی نماینده سابق مجلس، دادخواهی ریحانه جباری، دادخواهی زندانیان سیاسی دهه شصت که مورد تجاوز جنسی در زندان قرار گرفتند و همچنین افشای مواردی همچون تجاوز به باکره های قبل از اعدام، و نمونه هایی از تجاوز به بازداشت شدگان اعتراضات سراسری را شاهد

و فعال رنگین کمانی ها از ایران که تحت عنوان "تجاوز و خشونت علیه رنگین کمانی ها" سخنرانی کرد. امینا ماهر - فیلمساز سخنرانیش تحت عنوان "شرم و بدن سیاسی، سکوت و سیاست مازوخیستی"، شیرین شمس - از مسئولین انقلاب زنانه تحت عنوان "ریشه های تولید و بازتولید تجاوز در ایران" سخنرانی کرد، شعله پاکروان - مادر دادخواه ریحانه جباری با عنوان "رابطه قانون و دستگاه قضایی با تجاوز جنسی"، مینا احدی - فعال حقوق زنان در مورد "قوانین و مذهب، مدافع تجاوز"، نسرین افزلی - کارشناس ارشد مطالعات زنان سخنرانی تحت عنوان "استاندارد دوگانه فعالان جنبش زنان در واکنش به افشاگری آزارهای جنسی"، شقایق نوروزی - بازیگر و کنشگر مسائل زنان با عنوان "فرهنگ تجاوز و نقش حاکمیت در تثبیت آن سخنرانی کرد و شاپرک شجری زاده فعال حقوق زنان با عنوان "آزار و تجاوز جنسی فعالین زن در بازداشتگاه و زندان" سخنرانی کرد. و بالاخره نعیمه دوستدار - روزنامه نگار و فعال حقوق زنان با عنوان "ضرورت از بین بردن حاشیه امن متجاوزان جنسی در محیطهای مذهبی" سخنرانی کرد.

همچنین در این سمینار با پخش کلیپ هایی از روایت تجاوز جنسی توسط گشت ارشاد به زنان "بی حجاب"، روایت ریحانه جباری، پرنیاز خسروی، زهرا نویدپور، و روایتی از تجاوز در زندانهای جمهوری اسلامی از جمله

درباره سمینار انقلاب زنانه در مورد تجاوز جنسی و بردگی جنسی گفتگو با شیرین شمس



مناسبات سیاست حاکم زنان، کودکان، رنگین کمانی ها محسوب می شوند.

بنابراین شرایط، در انقلاب زنانه تصمیم بر این شد که یک سمینار با فعالین پیشرو حقوق زنان و نیز با شرکت قربانیان تجاوز جنسی که سکوت خود را شکسته و نقش قوانین و سیاست حاکم را در چرخه تجاوز در ایران تعیین کننده میدانند برگزار کنیم. تا این سمینار بتواند آن بخش رادیکال و پیشرو علیه جمهوری اسلامی در رابطه با تجاوز جنسی و بردگی جنسی را نمایندگی کند.

مدیریت این سمینار به عهده کیان آذر و من بود، و دست اندرکاران برگزاری آن از جمله مجری و مسئولین تهیه مترال سمینار میثم عتیق، هدی کریمی صدر، مهزاد خرد، امیر عسگری، سجاد اکبری، صدف صمدی، و مهسا نسیم دوست بودند.

انترناسیونال: شرکت کنندگان این سمینار چه کسانی بودند و موضوع و تم سخنرانی هایشان چه بود؟

شیرین شمس: سخنرانان این سمینار و موضوع سخنرانی آنها بشرح ذیل بود: مهران حمیدی - همجنسگرا

انترناسیونال: جنبش اعتراضی گسترده ای علیه تجاوز جنسی در ایران به جریان افتاده است. هفته گذشته سمیناری تحت عنوان "منشا آزار و تجاوز جنسی در ایران و جنبش علیه بردگی جنسی علیه جمهوری اسلامی" برگزار شد. با شیرین شمس یکی از مسئولین این سمینار گفتگو میکنیم:

اگر ممکن است اول در مورد دلیل برگزاری این سمینار بگویید و اینکه چه کسانی یا نهادهایی مسئول برگزاری این سمینار بودند؟

شیرین شمس: این سمینار در یک شرایط معین سیاسی برگزار شد. موج اخیر افشاگری ها از تجاوز جنسی در ایران بیشتر شبیه یک خیزش عمومی بود، آنهم بلافاصله بعد از موج میلیونی علیه اعدام در شبکه های اجتماعی. گرچه به نظر می رسید این موج علیه یک رفتار معین و مشخصی بنام تجاوز بود، اما در واقع این موج علیه قوانین اسلامی و نرینه سالار حاکم، و علیه دستگاه قضایی این حکومت شکل گرفت که ریشه های تولید و بازتولید تجاوز جنسی در ایران محسوب می شوند و عمده ترین قربانیان قوانین و

حکومت اسلامی ضد زن نابود باید گردد



کند. کسی که حکومت اسلامی را ذره ای بشناسد میداند که این فقط خزعبلات است و نیازی به اثبات بی پایه بودن آن نیست. فقط کافی است یادآوری شود که رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی خودش از آدمکشان حکومت اسلامی و "کمیته مرگ" حکومت در دهه شصت بوده است و اکنون نیز به همین شغل ناشریف دارد ادامه میدهد.

قتل نوید افکاری و کشتن نوید افکاری های دیگر توسط جمهوری اسلامی چنان هولناک است که وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی به جای قرار گرفتن در مقابل دوربین و پاسخ به دادن به سوال ها می بایست بر صندلی دادگاه می نشست و به اتهام جنایت علیه بشریت محاکمه می شد. یک جوان را به همراه برادرانش گرفتند و چنان تحت شکنجه قرار دادند که مجبور به اعترافات بی اساس علیه خود شدند. وقتی این سه برادر و خانواده اش به حرف در آمدند جمهوری اسلامی رسوای عالم شد و سپس جمهوری اسلامی سعی کرد این رسوایی را با به دار کشیدن تن رنجور و شکنجه شده نوید افکاری جبران کند ولی رسواتر شد.

نه جواد ظریف و نه هیچ دستگاه دروغ پراکنی جمهوری اسلامی قادر نیست کشتن وحشیانه نوید افکاری را توجیه کند. نوید در قلب مردم ایران و جهان جای گرفته است. بهترین مراسم را به یادش گرفتند و در حالیکه جمهوری اسلامی رذیلانه از او به عنوان "قاتل" یاد می کند مردم به او لقب نوید قهرمان را دادند. این بهترین پاسخ به جمهوری اسلامی اعدام و جنایت است. خون ریخته نوید افکاری و همه عزیزان مردم دامن جمهوری اسلامی را رها نخواهد کرد. مردم نشان داده اند که این جنایات را فراموش نخواهند کرد. در کمین نشسته اند تا جانیان و قاتلین حاکم بر ایران را به سزای اعمال خود برسانند. نوید به سمبل اعتراض و قیام مردم تبدیل شده است. نوید یک قربانی ساده اعدام نبود. نوید

را اعدام کردند چرا که سه سال پیش در خیابان نظام و جمهوری اسلامی را به مصاف طلبیده بود و در زندان نیز جمهوری اسلامی را به رسوایی کشاند. اعدام نوید مقابله جمهوری اسلامی با قیام مردم برای سرنگونی جانیان اسلامی بود. اتهامات ساختگی علیه نوید قرار بود قیام و اعتراض مردم را مخدوش کند. اما قیام و اعتراض مردم همچنان ادامه دارد. برشانه های نوید قهرمان جنبش دادخواهی مردم ایران چند قدم دیگر به جلو برداشت. ما نه تنها مرعوب نشده ایم بلکه پیوندهایمان مستحکمتر و عزممان جزم تر شده است. نه می بخشیم و نه فراموش می کنیم بلکه تعرض می کنیم تا این عمارت جنایت و آدمکشی را درهم بکوبیم.*

پاسخی کوتاه به جواد ظریف در باره اعدام نوید افکاری حسن صالحی



نوید افکاری دو حکم اعدام داشت یکی مربوط به شرکتش در اعتراضات و دیگری به اتهام قتل بود. قتل که مدرکی برای اثباتش ارائه ندادند چرا که او هیچگاه چنین قتلی را مرتکب نشده بود. جواد ظریف به "خس و خاشاک" متوسل می شود تا جنایت هولناک حکومتش را توجیه کند. می گوید "در آمریکا هم اعدام شده است. اعدام هر جا باشد از جمله در برخی ایالات آمریکا ضد انسانی و توحش است و باید ملغی شود. ولی جواد ظریف نمی گوید که در ایران بیگناهان، نویسندگان، زندانیان سیاسی، زنان عصیانگر و همجنس گرایان را اعدام می کنند و در آمریکا چنین نیست. ظریف به استقلال قوه قضائیه اشاره می

دستگاه آدمکشی جمهوری اسلامی اعدام می کند و وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی وقیحانه این قتل و جنایت را توجیه می کند. اعدام نوید افکاری ورزشکار ۲۷ ساله و از معترضان سال ۹۷ چنان خشم و نفرتی در سطح جهانی علیه جمهوری اسلامی برانگیخت که وزیر امور خارجه یعنی جواد ظریف هم ناچار به جوابگویی شده است. او روز دوشنبه ۳۱ شهریور در نشست ویدئویی با اندیشکده آمریکایی "شورای روابط خارجی" در نیویورک در پاسخ به سئوالی درباره اعدام نوید افکاری مدعی شد که نوید افکاری به دلیل شرکت در اعتراضات اعدام نشده است!!! وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی خوب می داند که

مریم جبارزاده از میانمان رفت



مریم عزیز را به شهلا جبارزاده و پروین جبارزاده و سایر اعضای خانواده او، همچنین به اعضا و دوستداران حزب صمیمانه تسلیت میگوئیم. یادش همیشه گرامی باد.

تشکيلات خارج
کشور حزب کمونیست
کارگری ایران - آلمان
۱۹ سپتامبر ۲۰۲۰

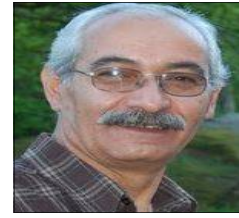
دست به خودکشی زد و جانش را از دست داد. این واقعه باعث تاسف و نال همه ما است. درگذشت

به اطلاع می رسانیم با کمال تاسف مریم جبارزاده عضو حزب کمونیست کارگری بدنبال چند سال افسردگی

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره پاه ست
فرکانس : 12073
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6

تراژدی ای بنام کولبری گفتگو با عبدال گلپریان



بازنشستگی و رفاه و غیره را که اشاره شد شامل نمیشود اما باز هم شغل محسوب میشود. در ایران بخش اعظم کارگران بدون این شرایط دارند کار میکنند. حتی حقوقشان را نمی پردازند و بازهم کارشان شغل محسوب میشود. آنچه که کولبری را از هر نوع شغل دیگری متمایز میکند نا امنی کامل و تحت تعقیب بودن و خطرات جانی و شرایط غیر انسانی آن است. در سیسم سرمایه داری همه جور شغلی پیدا میشود که خیلی از آنها مطلقاً انسانی نیستند. کولبری کاری غیر انسانی و ناشی از بی تأمین و فقر کامل است که باید از بین برود. به یک اعتبار باید گفت بردگی بدرجاتی بهتر از کار و زندگی کولبری است. کولبران ناچار هستند از سر اجبار و برای تأمین معیشت خانواده هایشان به این کار مشغول و خطرناک تن دهند.

همانطور که اشاره کردم در ساختار قوانین حکومتی که رانت خواری، دزدی، چپاول و غارت هستی و دسترنج مردم در آن امری نهادینه شده است، در حکومتی که مراکز تولیدی، ابزار آلات تولید، زمین که آن بنا شده است توسط کاربدستان و نهادهای همین ساختار غارت میشود، بفرش میرسد و میلیاردها تومان از هستی مردم بجزیبهای گشادشان سرازیر میشود، دهها هزار کارگر بیکار از خود بیرون میدهد و از سوی دیگر با ایجاد و راه اندازی امر تجارت و بازرگانی در نواحی مرزی، باز هم از نیروی ارزان همین کارگران بیکار شده همچنان سرگرم چپاول و سود اندوزی هستند. اینها مجموعه ای از عوامل و فاکتورهایی هستند که زمینه کار کولبری را بوجود آورده اند وگرنه هیچ انسانی حاضر نیست که شبانه

این در حالی است که بعد از چپاول مفتخوران حکومتی، حتی کمترین مزایا نظیر بیمه بیکاری و یا بیمه های درمانی نیز شامل حال این نیروی وسیع که امروز به کولبری روی آورده اند تعلق پیدا نکرد. کولبران در اذای دریافت مزد ناچیزی، بار و کالاهای تجارتي را در شرایطی خطرناک و طاقت فرسا از ایران به عراق و بالعکس حمل میکنند. کولبران فقط نیروی کار خود را برای نقل و انتقال این کالاها بفروش میروسانند. صاحبان اصلی این کالاها تجار و دلانان و سرمایه داران در هر دو سوی مرز هستند. نهادهای حکومت اسلامی و کاربدستان حکومت اقلیم کردستان نیز در این تجارت کلان و سود آور سهیم و شریک هستند.

ابدا نمیتوان کار کولبری را شغل به مفهوم معمول آن نامید. شما نمیتوانید انجام کاری که معمار اصلی آن سودجویان، تجار و نهادهای حکومتی هستند و هیچگونه امنیت اقتصادی، جانی و تضمینی برای مجریان این کار در آن وجود خارجی ندارد را شغل به معنای متعارف آن بنامید. در تعریف شغل حداقل ترین معیارها میتواند وجود یک قرارداد یا چارچوب تعریف شده، تأمین زندگی اقتصادی کارگر، امنیت جانی، حقوق یا بیمه بیکاری و نهایتاً حق بازنشستگی را برشمرد.

علاوه بر این در دنیا یک عالمه شغل هست که متاسفانه هیچکدام از موازین ابتدایی شغلی نظیر بیمه بیکاری حق

خبرهای تکان دهنده ای در مورد کشتار کولبران به گوش میرسد که واقعا فاجعه بار است. بنا به گزارشها از دی ماه سال ۹۷ تا به امروز بیش از یکصد کارگر کولبر در مرزهای غربی کشور بوسیله آتش مستقیم پاسداران و نیروهای جمهوری اسلامی کشته شده اند، در این رابطه گفتگویی داریم با عبدال گلپریان

انترناسیونال: اول اگر ممکن است کلا در مورد پدیده کولبر مختصراً توضیح دهید. آیا این واقعا یک شغل و کار واقعی است؟ این شغل از کجا آمده است و چه زمینه ای دارد؟

عبدال گلپریان: کولبر در واقع به کارگران بیکار شده در شهرها و روستاهای مناطق مرزی گفته میشود که قبل از رایج شدن کار کولبری، یا کار و شغل معمولی داشتند یا در روستاها به کار کشاورزی مشغول بودند. خصوصی سازیه در شهرهای کردستان در مراکز تولیدی و از رونق افتادن کار کشاورزی در روستاها، موج وسیعی از نیروی بیکار در شهرها و روستاهای نواحی مرزی را ایجاد کرد. از نظر اقتصادی مسئله تنها به خصوصی سازی مراکز تولیدی خلاصه نمیشود بلکه غارت هستی و دسترنج کارگران شاغلی که توسط باندها و دسته جات حکومتی بیکار شدند و امروز به کولبر تبدیل شده اند، فروش مراکز کارگری و حراج ابزار آلات در این مراکز میشود گفت که هزاران نفر را از کار بیکار کرد.



اعتراضات بحق مردم همیشه سعی داشته اند تصویر وارونه ای از این جدال سیاسی منظر آنان در تبلیغاتشان مکان واقعی حق و ناحق عوضی به تصویر کشیده میشود. در حالیکه قضیه کاملاً برعکس است. متجاوز کس یا کسانی نیستند بجز کاربدستان، قوانین و کل بساط حکومت اسلامی علیه کولبران و علیه کل شهروندان. این خزعبلات آنقدر آبرو باخته است که حتی تنی چند از نمایندگان همین حکومت در مجلس اسلامی در مقابل آن واکنش نشان دادند. میخواهم بگویم که متجاوز به حریم زندگی اقتصادی، امنیتی و اجتماعی کلیه شهروندان، کاربدستان و دم و دستگاه حکومت اسلامی همراه با قداره بندانش است که زندگی را برای کولبران و نود و نه درصد جامعه به جهنم تبدیل کرده اند.

در مناطق مرزی مسیرهایی برای حمل و انتقال کالا به هر دو سوی مرز توسط ماموران و باجگیران تفنگ بدست حکومت تعیین شده است که ایستگاههای به اصطلاح کنترل برای دریافت مبلغی از دسترنج کولبران نیز در همین مسیرها ایجاد شده است. بخشی از کولبران بخاطر اینکه این باج را پرداخت نکنند از مسیرهایی بدست پر خطر دیگری عبور میکنند که با کمین گذاری ماموران مسلح حکومتی هدف ادامه در صفحه ۹

روز چندین کیلومتر راه را در مناطق صعب العبور و کوهستانی، در گرمای جانکاه تابستان و سوز و سخت زمستان و خطرات جانی جدی، تقبل کند. تنها چیزی که کولبران را وادار به این کار میکند این است که باید لقمه نانی برای خانواده و فرزندانیشان تهیه کنند. آنان برای تهیه و تأمین این لقمه نان جان میدهند و توسط ماموران حکومت و حافظان همان مفتخوران بقتل میرسند.

انترناسیونال: واسطه مرداد ماه امسال در جریان طوفان تویتری که در اعتراض به کشتار کولبران به جریان افتاد و شعارش "کشتار کولبران را متوقف کنید" بود، هشتگ "کولبر نکشید" به ترند اول تویتر در ایران تبدیل شد در حالیکه امروز فرماندهان نظامی مرزبان، کولبران را "متجاوزین مرزی" می نامند و تهدید به کشتار بیشتر از آنها کرده اند. دلیل این همه جنایت و سبعیت رژیم علیه این کارگران چیست؟ رژیم چه هدفی را دنبال می کند؟

عبدال گلپریان: مقامات حکومت اسلامی و نیروهای آدمکش آنان طی دوران حاکمیت ننگینشان مدام چنین اراجیف نخ نمایی را در سخنانشان بیان کرده اند. یک وارونگی در تقابل رژیم اسلامی با مردم همیشه وجود داشته است. حکومتیان و فرماندهان نظامی آنان نه تنها در مورد کولبران بلکه در رابطه با

عفو بین الملل: حیدر قربانی در خطر اعدام قرار دارد

همکاری نزدیک صداوسیما و نهادهای امنیتی و قضایی برای اعدام زندانی سیاسی کرد.

سازمان عفو بین الملل با انتشار یک اطلاعیه فوری و نامه‌ای خطاب به رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی، خواستار اقدام فوری برای توقف حکم اعدام حیدر قربانی شد.

دیوان عالی کشور، دو هفته پیش با درخواست آقای قربانی برای اعاده دادرسی مخالفت کرد. پرونده این زندانی سیاسی کرد به دلیل ابهامات فراوان در مراحل رسیدگی و اشکالات وارده در نوع اتهام انتسابی و همچنین شکنجه متهم برای اخذ

اعترافات اجباری، از سال گذشته در دیوان عالی کشور در حال بررسی بود.

نهایتاً شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور در مردادماه امسال حکم دادگاه انقلاب سنندج برای اعدام این زندانی سیاسی کرد را تأیید کرد.

حیدر قربانی از سوی مقام‌های امنیتی ایران متهم شده است که در قتل سه نیروی شبه‌نظامی بسیجی در درگیری‌های رخ داده در مهرماه سال ۱۳۹۵ نقش داشته است. بر این اساس شعبه اول دادگاه انقلاب شهر سنندج، او را به اتهام «بغی و» اقدام مسلحانه علیه «حکومت» به اعدام محکوم کرد.

پیش از برگزاری دادگاه این متهم در اواخر اسفند سال

۱۳۹۵، پرس‌تی‌وی، شبکه انگلیسی‌زبان صداوسیما جمهوری اسلامی، فیلمی از اعترافات تلویزیونی این زندانی سیاسی منتشر و زمینه را برای برگزاری دادگاه و صدور حکم اعدام فراهم کرد.

آقای قربانی بارها اعلام کرده است که تنها مستند پرونده برای صدور حکم اعدام، همین اعترافات تحت شکنجه است. حتی در کبفرخواست صادره از سوی دادستانی و نهایتاً حکم دادگاه بدوی هم اشاره شده که این متهم، مسلح نبوده است.

عفو بین الملل بر همین اساس در نامه به ابراهیم رئیسی نوشته که با معیارهای جمهوری اسلامی و بر اساس قانون، اقدام مسلحانه علیه حکومت تنها زمانی مصداق دارد که فرد عضو رسمی یک گروه مسلح مخالف حکومت باشد و به‌صورت مسلحانه در

وقت بسیار کم، جان حیدر را نجات دهیم



#SaveHaydarGhorbani
نجات جان حیدر قربانی

کردستان کشته شده است. مشخص نیست که کشته شدن پدر آقای قربانی چه ارتباطی با پرونده این زندانی سیاسی دارد.

عفو بین الملل در نامه خود خواستار لغو فوری حکم اعدام این زندانی سیاسی و رسیدگی عادلانه به پرونده او شده است.*

عملیات نظامی شرکت کرده باشد.

آقای قربانی اهل یکی از روستاهای کامیاران در استان کردستان است. صداوسیما جمهوری اسلامی در مستند امنیتی که درباره این زندانی سیاسی پخش کرد گفت که پدر آقای قربانی، ۴۰ سال پیش در درگیری‌های

است. قانونی کردن کولبری حتی اگر امنیت جانی آنان هم تامین و تضمین شود باز هم چیزی نیست بجز ادامه توهین و تحقیر و زیر پا نهادن کرامت انسانی بخشی از مردم که به این کار روی آورده اند. کار مناسب یا حقوق بیکاری مناسب مطالبه اصلی و محوری کولبران است. اما از آنجا که کار کولبری منبع پر درآمدی برای تجار، رانتخواران و دیگر دارودسته های حکومتی است، آنان ترجیح میدهند بر بستر جهنمی که برای مردم مناطق مرزی ایجاد کرده اند، این وضع همچنان ادامه پیدا کند. در یک کلام باید بگویم پایان دادن به کشتار کولبران و محو پدیده کولبری، در واقع با ساقط کردن حکومت اسلامی از طریق انقلاب مردم و ایجاد یک شرایط انسانی میسر است.*

تمام این جنایتکارها چه در نوار مرزی با کشتار کولبران و چه در میدان و خیابانها در بگلوله بستن معترضین تنها بخاطر بقا است.

انترناسیونال: و بالاخره برای پایان دادن به کشتار کولبران و پایان دادن به این همه جنایت بنظر شما چه باید کرد؟ راه حل چیست؟ باید کولبری را قانونی کرد؟ یا کلا کاری کرد که کسی مجبور به کولبری نباشد؟

عبدال گلپریان: از روزیکه این به اصطلاح شغل کاذب از سوی حکومت به کارگران از کار بیکار شده تحمیل شده است، اعتراض و ناراضی کولبران در مقابل آدمکشی و مصادره کالاها توسط ماموران حکومتی نیز وجود داشته است و مورد حمایت مردم قرار گرفته است. خواست کولبران ایجاد کار مناسب یا تامین حقوق بیکاری

اسلامی ماهیتا و فی نفسه ضد انسان و آدم کش است. اینگونه نیست که اگر کولبر نباشید پس امنیت جانی دارید. آیا قتل و کشتار بیش از چهار دهه از مردم معترض و ناراضی در سایه این حکومت جنایتکار در سراسر کشور مستلزم کولبری بوده است؟ از کشتارهای دهه شصت و شصت و هفت گرفته تا شلیک به سر و قلب جوانان معترض در آبان ۹۶ و دیماه ۹۸ و از شلیک به هوایمهای اوکراینی با ۱۷۶ انسان، هیچکدام مستلزم پدیده کولبری نبوده است. میخواهم بگویم ماهیت و شناسنامه این حکومت از ابتدا تا به امروز با قتل، کشتار و جنایت عجین شده است که یکی از دلایل آن بخیال خودشان برای ایجاد فضای رعب و وحشت است. این حکومت بدون کشتار نمیتواند حتی یک روز دوام بیاورد.

از صفحه ۸

تراژدی ای بنام کولبری...

قرار میگیرند و اگر شانس داشته باشند فقط زخمی میشوند و گرنه در دم جان میسپارند و همزمان اسبهای آنان را نیز برگیار گلوله می بندد و همان کالاها را ماموران مصادره میکنند. برای نمونه روز دوشنبه ۳۱ شهریور، با تیراندازی مستقیم نیروهای نظامی به سمت گروهی از کولبران، ۴ کولبر در مناطق مرزی شهرستان نوسود واقع در استان کرمانشاه زخمی شدند. روز سه شنبه اول مهر یکی از نمایندگان رژیم در مجلس اسلامی اظهار داشت که تنها در یکسال گذشته ۱۶۶ کولبر توسط ماموران رژیم بقتل رسیده اند. در حالیکه کشتن کولبران بیش از این تعداد است و آمار زخمی

ها نه ثبت میشود نه بحساب آورده میشود. آخرین مورد از این جنایت کشتن ۳ کولبر به اسامی زانکو احمدی، زانست حسن نژاد و سروش مکاری، در روزهای پایانی شهریور توسط نیروهای مرزبانی در سردشت بود و ۱۱ اسب آنان نیز با مسلسل از پای درآمدند. و بالاخره سقوط مانی هاشمی کولبر نوجوان ۱۴ ساله از سخره ها هنگام فرار و بخاطر ترس از شلیک ماموران بود. این جنایات و ادامه این کشتارها برای دریافت همین باج ها و دسترنج کولبران است و بسیاری از کولبران حاضر نیستند دسترنجشان بجیب مافیای مستقر در مناطق مرزی سرازیر شود. علاوه بر این، حکومت

اطلاعیه

۴ سرنشین حامل یک خودرو در جاده مهاباد - سردشت بر اثر شلیک آربی جی توسط سپاه پاسداران جان باختند

روز ۲۷ شهریور سپاه پاسداران دست به جنایت دیگری زد و در جریان تعقیب و هدف قرار دادن یک خودرو در نزدیکی روستای "کهنه‌ده" از توابع بخش خلیفان در جاده مهاباد - سردشت چهار سرنشین این خودرو را با شلیک آربی جی به قتل رساند. هویت یکی از چهار سرنشین جان‌باخته "خضر بایزیدی" اهل شهرک میرآباد بوکان

است. بنا به گزارش سایت اینترنتی «کودپا»، سپاه پاسداران از تحویل اجساد این چهار نفر به خانواده‌هایشان خودداری است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری به خانواده خضر بایزیدی و سایر جانباختگان صمیمانه تسلیت می‌گوید و همه مردم را به اعتراض

جمعی علیه این جنایت فرامیخواند.

مردم کردستان! در مقابل این جنایات باید اقدامی درخور انجام داد. مردم کردستان تجارب گرانبهایی از اعتراض علیه جنایات حکومت دارند. در مقابل این اقدام وحشیانه سپاه پاسداران و تیراندازی هر روزه به کولبران

دست به یک اقدام سراسری بزنید و جنایتکاران را از کار خود پشیمان کنید. دست جنایتکاران را باید از زندگی مردم کوتاه کنیم.

کمیته کردستان
حزب کمونیست
کارگری ایران
۲ مهر ۱۳۹۹
۲۳ سپتامبر ۲۰۲۰



وی به اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در پی شرایط سخت آنها و همچنین به زندانیانی چون آرش صادقی، اسماعیل عبدی، آتنا دائمی، نسرين ستوده و جعفر عظیم زاده که از آزادی مشروط محروم شده اند، اشاره کرد.

گزارش بالا یکبار دیگر عزم ما را برای مبارزه منسجم و رادیکال علیه رژیم آدمکش و متعلق به دوران بربریت اسلامی راسختر میکند. در ایران جامعه دارد آخرین بندها را از پا می‌کند. دارد برای رهایی از شر جمهوری اسلامی دور خیز نهائی را بر میدارد.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی تلاش می‌کند در یک همبستگی بین المللی جوامع و مراجع بین المللی را در حمایت از مبارزات مردم، زندانیان سیاسی و خانواده‌هایشان بسیج کند و از شما مردم شریف،

اطلاعیه شماره ۲۶ کارزار #کرونا_زندانیان_جانشان در خطر است

نشده است اقدامات موثری در جهت محافظت از سلامت و تندرستی آنها انجام دهد و یا آنها به صورت مشروط آزاد کند در صورتیکه ۱۰۰,۰۰۰ زندانی دیگر به طور مشروط آزاد شده‌اند.

وی افزود؛ که آنها در وهله اول هم نباید زندانی می‌شدند، بنابراین من از دولت می‌خواهم که قبل از اینکه بی توجهی منجر به عواقب ناگوار شود، زندانیان سیاسی را آزاد کند.

در این فراخوان مری لاولور همچنین گفت: نه تنها مدافعان حقوق بشر تحت ظلم و محرومیت قرار دارند، بلکه در طول دوران زندان نیز همواره در معرض اتهامات دیگری قرار گرفته‌اند، به سلولهای انفرادی فرستاده شده و خانواده‌های آنها هدف مقامات قرار دارند.

گزارشگران سازمان ملل در دفاع از زندانیان سیاسی به میدان آمدند!

مبارزه و کارزار جهانی #جانشان_در_خطر_است در دفاع از آزادی زندانی سیاسی در آستانه به ثمر نشستن است!

کارشناسان سازمان ملل متحد در ژنو بتاريخ ۱۶ سپتامبر از ایران خواستند که مدافعان حقوق بشر را در زمان شیوع کرونا از زندان آزاد کند. این گزارش و فراخوان توسط ده نفر از گزارشگران حقوق بشر سازمان ملل از جمله جاوید رحمان تهیه و تایید شده است.

مری لاولور در این ارتباط گفته است: مدافعان حقوق بشر ایرانی در زندان در معرض خطر ابتلا به ویروس کرونا قرار دارند زیرا دولت موفق

آزادیخواه و انساندوست می‌خواهد در این شرایط سخت و اسفناک پس از شیوع کرونا در ایران، به هر طریق و شکل ممکن خواستار آزادی تمام

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
۲ مهر ۱۳۹۹
۲۳ سپتامبر ۲۰۲۰

برای آشنایی، ارسال خبر، گزارش، همکاری و عضویت در حزب کمونیست کارگری میتوانید با آدرس های زیر تماس بگیرید:

سایت حزب: www.wpiran.org

واتس اپ: +۴۴ ۷۴۳۵۵۶۲۴۴۲

تلگرام: @wpi_hkki

پیامگیر تلگرام: @wpi_tamas

اینستاگرام: wpi91

فیسبوک: www.facebook.com/wpiran



چند اطلاعیه از حزب!

**۲۹ شهریور: ادامه اعتراضات کارگران
نیشکر هفت تپه و چند خبر دیگر**

- روز ۲۹ شهریور کارگران اعتصابی غیر نیشکری هفت تپه جهت برپایی تجمع در مقابل دفتر مدیریت به داخل شرکت رفته بودند که با ممانعت نیروی انتظامی روبرو شدند. اما کارگران به اعتراض خود ادامه داده و در مقابل کارخانه تجمع کردند. کارگران نیشکر هفت تپه خواستار اجرایی شدن وعده های داده شده هستند.

- روز شنبه ۲۹ شهریور، جمعی از کارگران سایت پسماند صفیره اهواز با برپایی تجمعی دیگر مقابل ساختمان شهرداری و شورای اسلامی شهر اهواز به اعتراضاتشان نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی ادامه دادند. به گفته کارگران هر ساله با تغییر پیمانکار، وضعیت پرداختی آنها بدتر می شود و آنها از اسفند پارسال تا اردیبهشت امسال که به دلیل شیوع ویروس کرونا بیکار شده اند، هیچ حقوقی دریافت نکرده اند. حتی سنوات سال های گذشته نیز به آنها پرداخت نشده است. بنا بر خبر آنها در تیر امسال تنها ۱۰ روز اجازه حضور در محل کار را پیدا کردند و پس از آن به دلیل آتش سوزی، تفکیک زباله تعطیل شد. از ۱۲۰ کارگر این سایت بیش از نصف آنها زنان سرپرست خانوار هستند و پرداخت نشدن به موقع و کامل حقوق ضربه بسیار سنگینی به آنها وارد می کند. مزد این کارگران فقط ۲ میلیون تومان است یعنی حتی از حداقل دستمزد چند

صف کردن خودروهایشان مقابل سازمان مدیریت حمل و نقل بار و مسافر مریوان و حومه دست به تجمع زدند. بنا بر خبر این رانندگان ۲۵ دستگاه تاکسی دارند و در نامه های به رئیس پلیس راهور شهرستان مریوان اعتراض خود را به اخذی و اجحافات علیه خود اعلام کرده اند.

- ابوالفضل غسالی، کارگر ایرانخودرو از حدود ۴ شهریور دوران محکومیت خود را در بند ۴ زندان اوین سپری می کند. او در سال ۹۶ به دلیل فعالیت در فضای مجازی توسط نیروهای امنیتی بازداشت و در سال ۹۷ توسط "دادگاه انقلاب تهران" به ۷ سال حبس محکوم گردید. این حکم در مرحله تجدیدنظر به ۴ سال و ۹ ماه حبس کاهش یافت که ۳ سال و ۶ ماه آن قابل اجرا است.

- روز ۱۹ شهریور کارگران شهرداری آغاچاری برای بار دوم در این ماه دست به اعتصاب زدند.

**اعتصاب معدنچیان
سواد کوه، اعتراضات با
شعار "غذا نیست، ترس
نیست" و یک خبر**

روز دوشنبه ۳۱ شهریور برای دومین روز متوالی، کارگران معدن زغال سنگ سوادکوه در اعتراض به سطح نازل حقوق، عدم اجرای دقیق طرح طبقه بندی مشاغل و شرایط نامناسب ایمنی و بهداشتی کار دست از کار کشیده و مقابل فرمانداری این شهرستان در استان مازندران تجمع کردند. در این روز کارگران مطالبات خود را در پانزده بند بصورت کتبی اعلام کردند که رئوس آن عبارتند از: اجرای دقیق کارشناسی شده ی طرح طبقه بندی

مشاغل، پرداخت مابه التفاوت طرح طبقه بندی از سال ۱۳۹۶ تاکنون، لباس کار، کفش کار، لوازم بهداشتی، صابون و حوله دوبار در سال، برگ مرخصی کتبی استفاده از مرخصی ماهی سه روز در مشاغل سخت و زیان آور، سرویس و پول شام شیفت شب و حذف شب کاری، استفاده از نیروی آموزش دیده جهت امداد و نجات پرسنل و جعبه کمک های اولیه داخل معدن، بهبود وضعیت بهداشتی معدن، سرویس و حمام، معرفی کارگر به بهداشت برای صحت سلامتی و تندرستی او، واریزی بیمه به تامین اجتماعی، درخواست بازرسی و کارشناس کار بر صلاحیت معدن، بازرسی بهداشت محیط از محل کار، فیش حقوقی قبل از حقوق و بازدید هر روزه ی کاردکس، فاصله گذاری اجتماعی در محیط کار به علت شیوع کرونا (یک روز کار یک روز استراحت) مانند شرکت زغال سنگ سامان و بالاخره لغو توافق بین شرکت سامان و جلیلی در خصوص بکارگیری از نیروهای همدیگر. کارگران با اعلام این خواسته ها در واقع صدای اعتراض خود را به شرایط ناامن و غیر انسانی کار و حقوقهای نازل اعلام کرده اند. این کارگران اعلام کرده اند که تا تحقق خواسته هایشان اعتصاب را ادامه می دهند. حرکت این کارگران میتواند پیش در آمد اعتراضات سراسری معدنکاران به شرایط نا امن و خطرناک و غیر انسانی کار خود باشد.

- روز ۳۱ شهریور کارگران کارخانه نساجی ایران پوپلین رشت اعتراضاتشان را نسبت به

مصوبه کارگروه "تسهیل و رفع موانع تولید"، و قرار گرفتن این شرکت در لیست واگذاری شرکت سرمایه گذاری توسعه ملی وابسته به بانک ملی اعلام کردند. بنا بر این تصمیم قرار است این کارخانه یا به بخش خصوصی واگذار شود و یا به شرط تملیک به اجاره داده شود. کارگران این تصمیم را اقدامی در جهت تعرض بیشتر به زندگی و معیشت خود و در پیش بودن بیکارسازی ها میدانند و به آن اعتراض دارند.

- روز ۳۰ شهریور شماری از مردم در مشهد در اعتراض به گرسنگی و بیکاری با شعار "غذا نیست، ترس نیست" تجمع داشتند. در بیست و هفتم شهریور نیز تعدادی از جوانان در خیابان شوش تهران با همین شعار اعتراض خود را به گرسنگی و بیکاری و فقر اعلام کردند. و این شعار است که بر در و دیوار شهرها دارد نقش میندند و بدین شکل اعتراض علیه فقر و بیکاری می رود که به اعتراضی در محلات و در شهرهای مختلف تبدیل شود.

**نامه شماری از
تشکلهای کارگری و
فعالین کارگری،
بازنشستگان، دفاع از
حقوق کودک و
دانشجویی به عفو بین
الملل**

**اعتراض به سرکوب
های جمهوری اسلامی**
روز اول مهرماه چند تشکل و گروههایی از فعالین کارگری، بازنشستگان، دانشجویان و لغو کار کودکان طی نامه ای سرگشاده به سازمان عفو بین الملل ضمن اشاره به گزارش این سازمان

ادامه در صفحه ۱۲

برای برپائی و ساختن جامعه ای شاد و مرفه به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید.

از صفحه ۱۱

۲۹ شهریور: ادامه اعتراضات کارگران...

در رابطه با سرکوبگری های حکومت اسلامی در قبال خیزش مردمی علیه گرانی، بر مبرم ترین مطالبات مردم ایران و خانواده های کشته شدگان و بازداشت شدگان آبان ۹۸ اشاره کرده و خواستار برآورده شدن بدون قید و شرط آنها شده است. رئیس این خواستهها عبارتند از: اعلام آمار واقعی کشته شدگان، اعلام آمار واقعی بازداشت شدگان و روشن نمودن سرنوشت آنان، آزادی فوری و بی قید و شرط بازداشت شدگان آبان ۹۸ و همه زندانیان سیاسی و حق برگزاری مراسمات گرامیداشت کشته شدگان در ایام سالگرد به قتل رسیدنشان در آبان ۱۳۹۹ به هر طریق که خانواده ها و مردم همراه خانواده ها بخواهند برگزار کنند.

در بخشی از این نامه چنین آمده است: "ما مردم ایران، بخشی از گستاخی حکومت در برابر مردم جامعه را نتیجه ممانعت های بین المللی می دانیم که هنوز علیرغم کشتار و اعدام شهروندان در محافل، مجامع و سازمان های جهانی پذیرفته می شود و روابط سیاسی با دنیای خارج برقرار است. بنابراین مجامع بین المللی نیز مسول هستند. ما مصرانه از شما می خواهیم تا با فشار آوردن به مجامع بین المللی، خواستار آن شوید که بر حکومت ایران فشار بیاورند تا دست از کشتار، شکنجه و اعدام بردارد و حقوق پایه ای مردم ایران را به رسمیت بشناسد. صدور بیانیه ها در محکومیت اعمال ضد حقوق بشری، برای به رسمیت

نشینی وادار کرده است. از جمله بدنال اعتصاب ۴۰ روزه کارگران جوشکار و پاپیینگ پیمانی در پتروشیمی سیلان همراه با دیگر نفتگران آخرین خبرها حاکی از افزایش حقوق این کارگران مطابق با خواسته های اعلام شده کارگرانست. این عقب نشینی ها یک موفقیت برای این کارگران و گامی مهم در جهت جلو بردن جنبش برای خواست افزایش دستمزدها برای همه کارگران نفت و کل کارگران است. گفتنی است که شیوع بیماری کرونا در میان کارگران پتروشیمی سیلان اعتراضاتی را در میان کارگران دامن زده است. از جمله همانطور که قبلا گزارش کردیم شماری از کارگران و حتی مسئولین این پتروشیمی به بیماری کرونا مبتلا شده اند. اما به بهداری دستور داده شده است که اخبار آن منتشر نشود. همچنین از آنجا که این پتروشیمی پروژه خود را باید تا آخر مهرماه بطور کامل تحویل دهد، به جای کارگران بیمار کارگر موقت به کار گرفته شده است. یک موضوع اعتراضی نفتگران، اعتراض به عدم اجرای پروتکل های بهداشتی در مقابل بیماری مرگبار کرونا در محیط های کارشان است.

بنا به یک گزارش دیگر صبح روز ۳۰ شهریور بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران پیمانکاری واحدهای "حمل و نقل"، "استیج بند"، "طناب بند" و شماری دیگر از کارگران پیمانکاری پالایشگاه آبادان در اعتراض به اجرای سلیقه ای و غیر استاندارد طرح طبقه بندی مشاغل مقابل دفتر مرکزی پالایشگاه تجمع کرده و خواستار اصلاح اجرای آن شدند. به گفته این کارگران علیرغم مصوب شدن



یکسان سازی حقوق کارگران رسمی و غیر رسمی این سیاست اجرا نشده و سالهاست که آنها در این واحد نفتی به کارهای سخت مشغولند، و حقوق آنها متناسب با سوابق کاری شان نیست.

زیر فشار اعتراضات کارگری از جمله اعتراضات کارگران پتروشیمی ماهشهر در سال ۹۰ و گسترش دامنه آن به بخش های دیگر نفت بر سر خواست کوتاه شدن دست پیمانکاران از محیط های کار، در تیرماه سال ۹۴ حکومت عقب نشینی ای کرده و بخشنامه یکسان سازی حقوق از سوی وزارت کار به دستگاه های اجرایی ابلاغ شد. اما این بخشنامه اجرایی نشده است.

پیش بسوی
اعتصابات سراسری
پیش بسوی
ایجاد شوراهای
حزب کمونیست
کارگری ایران
۲۹ شهریور ۱۳۹۹
۱۹ سپتامبر ۲۰۲۰

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: مراد شیخی

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه منتشر میشود

www.anternasional.com

